

فلسطین، شورش يك خلق

فیصل حسینی

بسیارند کسانی که می پرسند چگونه شد که يك انتفاضهء دیگر، يك قیام فلسطینی نوین، بار دیگر و درست هنگامی که همه فکر می کردند فلسطینی ها و اسرائیلی ها به صلحی پایدار نزدیک می شوند، شکل گرفته و گسترش می یابد؟ سؤالی موجه و مشروع.

هدف از روند مذاکراتی که در سال ۱۹۹۳ به توافق های اسلو انجامید برقراری صلح و رفاه در این منطقه بود، اما واقعیت این است که وضعیت فلسطینی ها چه از لحاظ اقتصادی و چه از لحاظ سیاسی بدتر از زمانی ست که در آن روند اسلو شروع شد. برای پایان دادن به درگیری ها و حل اختلافات مان، باید به ریشه های حقیقی این وضع و تلاش هایی که برای نیل به آن اهداف انجام شده نظری دوباره بیندازیم.

در سال ۱۹۸۸، شورای ملی فلسطین (پارلمان انتخابی فلسطین) در تبعید [الجزایر] تشکیل جلسه داد و با استناد به قطعنامه های ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت ملل متحد که از اسرائیل می خواهند سرزمین هایی را که طی جنگ سال ۱۹۶۷ به اشغال خود درآورده پس دهد، موافقت خویش را با ایجاد دو دولت اعلام کرد. این تصمیم مهم و تاریخی نه تنها حق موجودیت اسرائیل را به رسمیت می شناخت، بلکه به او حق می داد این موجودیت را بر ۷۸ درصد از سرزمین تاریخی فلسطین پیاده کند.

مجلس ملی فلسطین در عین حال می پذیرفت که يك دولت مستقل فلسطینی در غزه و ساحل غربی رود اردن به وجود آید. بدین ترتیب، ملت بومزاد فلسطین موجودیت و امنیت دولت اسرائیل را در درون مرزهای قبل از ۴ ژوئن ۱۹۶۷ تضمین می کرد. این تصمیم راه را برای مذاکرات مادرید گشود، مذاکراتی که طی آن اسرائیل، به نوبهء خود و برای نخستین بار، اعلام کرد که قطعنامه های ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت ملل متحد را می پذیرد چنانکه همین کار را در مذاکراتی که به اسلو منجر شد نیز انجام داد. از این پس، هر دو طرف، اجرای قطعنامه های ملل متحد و اصل مبادلهء زمین در برابر صلح را می پذیرفتند و سرانجام - حداقل ما در آن زمان چنین فکر می کردیم - اسرائیلی ها و فلسطینی ها این امکان را به دست آورده اند که چهرهء منطقه را تغییر

دهند و به جای منطق کینه و خون، منطق صلح و همکاری را برگزینند. اکنون سال‌ها را به سرعت پشت سر بگذاریم تا برسیم به اوایل سال ۲۰۰۰. فلسطینی‌ها تنها ۴۰ درصد از ساحل غربی و ۷۰ درصد از غزه را آن‌هم به طور ناقص و با محدودیت‌های سخت، تحت کنترل دارند، حال آنکه اسرائیل همچنان در باره اصطلاحات مربوط به یک عقب‌نشینی موقت مغالطه می‌کند. همزمان، به خصوص در دوره حکومت باراک، اسرائیل به سیاست خود دأثر بر قرارداد فلسطینی‌ها در برابر عمل انجام شده ادامه داده و به ساختن مستعمرات مهاجرنشین و مصادره زمین‌ها شتاب بیشتری بخشیده است (بیش از ۵۰ هزار مهاجر یهودی تنها از زمان توافق اسلو تا کنون در ساحل غربی مستقر شده‌اند). بیت المقدس برای اکثریت فلسطینی‌ها که دائماً هنگام سفر بین شهرها و از غزه به ساحل غربی و بالعکس، به شدت در معرض کنترل قرار می‌گیرند، همچنان بسته است. واضح است که توافق اسلو فرصت لازم را در اختیار اسرائیل گذارد تا در همان مناطقی که بایستی دولت فلسطین شکل گیرد، اشغال را تحکیم بخشد. به رغم همه این تجاوزات مداوم، فلسطینی‌ها با تحمل سختی‌ها و ناسازگاری‌های روزمره، همچنان پایبند روند صلح مانده‌اند.

هنگامی که دولت کلینتون ما را برای شرکت در کنفرانس سران در کمپ دیوید تحت فشار قرار داده بود، ما اخطار کردیم که هیچ‌یک از طرفین، آماده مذاکرات نهائی نیست. مگر نه اینکه ما هنوز تلاش می‌کردیم اسرائیل را وادار کنیم تعهدات موقت پیشین‌اش را به اجرا درآورد؟ مسائل مربوط به وضعیت نهائی قضایا و از جمله مسائل مربوط به بیت المقدس و حق بازگشت پناهندگان از هفت سال پیش مطرح نشده بود. با وجود این، پذیرفتیم که در این نشست‌ها شرکت کنیم، به ویژه به این دلیل که وزیر امور خارجه آمریکا، خانم اولبرایت، به پرزیدنت عرفات اطمینان داده بود که در صورت شکست احتمالی مذاکرات، مسؤولیت آن به عهده هیچ‌یک از طرفین گذاشته نخواهد شد.

زمان برگزاری کنفرانس، خوب انتخاب نشده بود، چنانکه پیشنهادهای ارائه شده نیز کاری جز تقویت شک و تردیدهای ما نکرد. رهبران فلسطینی با اسرائیلی نیرومندتر روبرو شدند و ما دریافتیم که آمریکا به جای میانجی‌گری بی‌طرفانه از اسرائیل

جانبداری می کند تا ما به سازش هایی تن دهیم که برای خلق فلسطین غیر قابل قبول است. درباره بیت المقدس نیز پیشنهادی که به ما شد به هرحال برای بقیه جهان عرب و اسلام هم غیر قابل پذیرش می بود. بدین ترتیب بود که جلسات با شکست روبرو شد و به رغم تعهدات خانم آلبرایت، مقامات آمریکایی، چند ساعت بعد، تقصیر شکست را علناً به گردن فلسطینیها انداختند.

اسرائیلی ها ادعا کرده اند که باراک از دیگر رهبران اسرائیل جلوتر رفته، در حالی که پیشنهادهای وی که در کمپ دیوید ارائه شد، کماکان حد اقل شرایط لازم را برای برپایی یک دولت پایدار فلسطین فراهم نمی کرد، چنانکه نه به حقوق ما در بیت المقدس شرقی پاسخ مثبت می داد و نه آنطور که باید و شاید به فاجعه آوارگان می پرداخت. شاید بتوان گفت که پیشنهادهای اسرائیل این بار کمتر از گذشته غیر قابل قبول بود، اما همچنان پذیرفتنی نبود.

به رغم همه این مسائل، مذاکرات کمپ دیوید برای طرفین گام بزرگی به پیش به شمار می رود، چنانکه بسیاری از موانع از پیش پا برداشته شد؛ ولی متأسفانه آقای باراک چنان نگران سیاست داخلی اسرائیل بود که به محض بازگشت تصمیماتی کوتاه نظرانه برای نجات دولتش گرفت. فاجعه آمیزترین این تصمیمات این بود که به قصد تشکیل دولت ائتلافی با آریل شارون به وی اجازه داد به صحن مسجد الاقصی، سومین مکان مقدس مسلمانان قدم بگذارد.

فلسطینی ها طی ۵۲ سال آموخته اند که بی عدالتی را تحمل کنند و ما در جستجوی صلح سازش های بسیار کرده ایم. اما حیثیت انسانی ما قابل معامله نیست. هنگامی که آقای شارون، همراه با سه هزار سرباز مسلح اسرائیلی و به قصد تحریک به سوی مسجد الاقصی رفت، تمامی خلق فلسطین - چه مسلمان و چه مسیحی - خود را به شدت قربانی خیانت آقای باراک و اسرائیل احساس کرد و این بیش از آن بود که ما بتوانیم تحمل کنیم.

سال ها محرومیت و تحقیر چنان شرایطی را به وجود آورده بود که ناآرامی های ناشی از تحریکات شارون، به سرعت به شورش تبدیل شد. این شورش تمام یک خلق است در کلیه اقشار اجتماعی اش. اشغال سرزمین های فلسطینی توسط اسرائیل، آخرین اشغال نظامی در جهان به شمار می رود، در حالی که اشغال شدگان چیزی

مطالبه نمی کنند مگر حق خود را برای آزادی، تعیین سرنوشت و دموکراسی. در یوگسلاوی، مردم قیام کرده دولت را سرنگون نمودند تا حقوق خود را تحقق بخشند و همه جهانیان به آنان تبریک گفتند. فلسطینی ها در برابر اشغال نظامی خارجی به پا خاسته اند ولی اقدام آنان محکوم می شود. آمریکا و اسرائیل مصرانه از رهبران فلسطین می خواهند که خشونت متوقف شود و شورش پایان یابد. توگویی می توان با فشار بر يك تکمهء جادویی مردم را متقاعد کرد که به خانه شان برگردند و آرام تحت اشغال نظامی به زندگی ادامه دهند.

استفادهء اسرائیل از نیروی سرکوب خشونتگر و بی تناسب، تمام منطقه را به بی ثباتی می کشاند. ارسال تانک ها و موشک ها و هلیکوپترهای آپاچ ساخت آمریکا برای مقابله با تظاهرکنندگان بی سلاح در شهرها و روستاهای ما مردم را در معرض ارباب قرار می دهد و آنان را رادیکالیزه می کند. باید خشونت اسرائیل متوقف گردد و محاصرهء روستاها برچیده شود. يك نیروی صلح بین المللی باید تشکیل شود تا حقوق ابتدائی انسانی و اجرای هر توافق آتی ضمانتی داشته باشد. فقط از این طریق است که شرایط لازم برای اجرای قطعنامهء ۲۴۲ شوای امنیت بدون خونریزی فراهم خواهد شد.

چنین اقدام نوینی، اگر تحقق یابد، این امید را در ما به وجود خواهد آورد که فرصتی برای پیشروی هست. فرآیند صلحی که با مذاکرات مادرید آغاز شد، باید يك بار دیگر جایگزین فرآیند جنگ شود و منطق عقل باید بر منطق زور غلبه کند.

از لوموند ۳۰ دسامبر ۲۰۰۰، ترجمهء ساسان یار احمدی

* فیصل حسینی، عضو کمیتهء اجرائی سازمان آزادی بخش فلسطین و مسؤؤل امور بیت المقدس.